

کاشانه

ویژه نامه هفتگی سبک زندگی و خانواده روزنامه جوان



پنجشنبه اول تیر ۱۴۰۲ - ۳ ذی الحجه ۱۴۴۴

حجاب

زن را گرانها می کند

شاید تا به حال کمتر موضوعی به اندازه حجاب در همه عصرها مورد توجه بوده است. آنچه به صورت نفی یا اثباتی توجه جهان را به خود معطوف کرده گواه این حقیقت بوده که حجاب مسئله مهمی است و حرف و چرایی درباره آن زیاد مطرح می شود، هر چند مفهومی به نام عفاف و حجاب تعاریف گسترده ای دارد و در بردارندگی آن گسترده تر از پوشش است...

وقتی خود را تعویل نمی گیری از دیگران توقع نداشته باش!

یکی از نیازهای روانی هر فرد مسود احترام دیگران و خود واقع شدن است که در هرم سلسله مراتب نیازهای آبراهام مزلو، پدر علم روانشناسی انسان گرا، این نیاز چهارمین نیاز انسان عنوان شده است، اما قبل از احترامی که از طرف دیگران دریافت می کنیم، احترام به خود اهمیت دارد...

هر پریشان نظری لایق دیدار تو نیست

حجت الاسلام مهدی بیاتی، دبیر کارگروه زیست عقیفانه شورای فرهنگ عمومی:

وظیفه مردان در گسترش فرهنگ عفاف جدی تر است

مریم السادات خرمدره، مسئول کارگروه مدولباس شبکه فراگیر مردمی حجاب کشور:

اقوام مختلف ایران کهن در عین جدایت پوششی کاملی داشته اند

میلاد محقق، کارشناس و پژوهشگر حوزه فرهنگ:

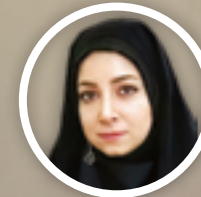
گام اول، خطرات بی حجابی را درست تبیین کنیم

حجت الاسلام علیرضا فرهنگ، پژوهشگر حوزه دین و سبک زندگی:

تشریح به زیست عقیفانه بازبای هنرمندان

زهرا هنربخش، پژوهشگر و کارشناس ارشد حقوق:

انسان از دیرباز حجاب را انتخاب کرد تا ایمنی باشد



خوشه چین

وقتی که می رنجی حق را انکار می کنی

حافظ ما را به سرزمین عجیبی دعوت می کند که در آن رنجش مساوی با کافری و انکار حق است، «فا کنیم و ملامت کنیم و خوش باشیم» که در طریقت ما کافری است رنجیدن»

کفر در حقیقت پوشاندن حق است و وقتی ما در زندگی مدام و مرتب رنجش، شکایت و خشم تولید می کنیم، این سه در پی هم می آیند. وقتی می رنجیم لب به شکایت می گشاییم و خشمی پنهانی یا آشکار را از خود می یابیم، از سرزمین رضا و تسلیم به سرزمین نارضایتی و طغیان کوچ می کنیم. و کسی که طغیان می کند چگونه می تواند حق پرست باشد؟ نکته دیگر این است که هر کسی می تواند در رنجش ها را در خود جستجو کند: چرا ما می رنجیم؟

ما می رنجیم چون انتظارات و توقعاتی از دیگران داریم که آن انتظارات برآورده نمی شود. در حقیقت ما می رنجیم چون محاسبات و معادلات ما اشتباه از آب در می آید. به سخن دیگر ما می رنجیم چون به جای اینکه آویزان حق باشیم آویزان این و آن هستیم در صورتی که خداوند می گوید: به من چنگ بزنید و از من بخواهید، و اعصموا بصل الله جمیعا و لا تفرقوا!

چرا ما در خیالات خود متفرق می شویم و آن آزادی و شادی حقیقی را از دست می دهیم و دچار رنجش می شویم؟ چون به جای اینکه اعصام به حق داشته باشیم به دانش، تقوا، زور، قدرت و جایگاه خود می یابیم.

حافظ که لسان غیب است به ما توصیه می کند تقوا و دانش و هنر داشته باشید اما آویزان تقوا و دانش و هنر خود نباشید، یعنی اگر می خواهید خود را شناسایی کنید خود را با حق شناسایی کنید نه با تقوا و دانش و هنر تان: «تکیه بر خود داشتن در طریقت کافری است/ راهرو گر صد هنر دارد توکل بایدش»

از همین بیت حافظ علت رنجش های ما معلوم می شود: ما هر وقت تکیه گاه خود را از حق به سمت داشته های خود و دیگران می چرخانیم احساس سرگشتگی و گمگشتگی می کنیم. اگر به حق تکیه کنیم و به او توکل کنیم - مثلاً کار کنیم اما خود را از قید و بند تنبیه و حواشی کار رها سازیم - در آن صورت رنجشی نخواهد بود یا از بار رنجش هایمان کاسته خواهد شد.

من می رنجم چون می گویم با فلانی از در دوستی درآمدم اما فلانی از در دوستی با من درنیامد. به فلانی قرض دادم اما فلانی به من قرض نداد. چرا می رنجم؟ چون به حق قرض ندهادم، اگر من به آن آیه که من بقرض الله قرض حسنا عمل می کردم آن قرض من دیگر به یک دوست نبود، بلکه به حق بود، بنابراین این انتظار و توقع جبران نداشتیم.

امام علی (ع) می فرماید: «یارب قو علی خدمتک جوارجی / اخدایا به جوارح من نیروی ده تا به تو خدمت کنند».

وقتی کسی به چنین نگرشی می رسد اعمال و رفتار خود را تقدیم حق می کند نه تقدیم افراد، بنابراین از افراد توقع و انتظاری نخواهد داشت و به تبع آن، رنجشی هم در میان نخواهد بود یا از بار رنجش ها کاسته خواهد شد.

نکته پایانی اینکه رنجش های ما علامت روشنی است که نشان می دهد چقدر زندگی خود را در مسیر درست و صواب قرار داده ایم.

هر چقدر کم تر برنجیم به آن معناست که اعصام به حق داریم و راه زندگی را درست طی می کنیم و هر چقدر رنجش ها در ما زیاد می شود یعنی به جای حق، آویزان این و آن، خیالات، پندارها، افکار و نقشه های خود شده ایم و چون افراد و پندارها و نقشه هایمان آن گونه که می خواهیم این پیش رفتنمان در نخبه خاطر شده ایم.

بانوان نابغه هیچ مشکلی با «حجاب» ندارند

ستون امروز در کوی نیکانمان را به شرح حال گوشه ای از زندگی از دشان چهار بانوی نابغه ایرانی اختصاص داده ایم، بانوانی که مثل بعضی ها حجاب را بهانه ای برای جلو گیری از پیشرفت قرار نداده اند، بانوانی که حجاب را با تمام وجود دوست دارند و با سر بلندی و اعتقاد راسخ به ارزش هاییشان، در عرصه های جهانی دانش افتخار آفریده اند.

سهیلا سامی، جراح نابغه ایرانی

«سهیلا سامی» متولد سال ۶۸ است یعنی فقط ۳۴ سال دارد. اما این سن کم بیش از ۵۰۰ عمل جراحی مغز و اعصاب داشته است! او که در روزیدنتی خود را در مرکز مغز و اعصاب هاتوفر آلمان شروع کرد، پیچ و خم جراحی را در کنار پروفیسور سمعی آموخت. شاید مهم ترین ویژگی این نابغه جوان که جلب توجه می کند محجبه بودن او در هر شرایطی و در تمام رویدادهای علمی خارج از کشور است.

سهیلا سامی در خصوص حجاب خود در مصاحبه ای گفته است: من با انتخاب و آگاهی حجاب را برگزیدم و این دیگر داخل و خارج از کشور ندارد. او در پاسخ به این سؤال که حجاب برایش محدودیت ایجاد کرده است یا نه، پاسخ می دهد: حجاب در زمینه جراحی برای من محدودیتی ایجاد نکرده و حتی در اتاق عمل که یک محیط کاملاً استریل است و مدام باید دست های خود را شست و در کنار همکاران آقا و خانم کار کرد، تاکنون هیچ مشکلی برای من ایجاد نشده است.

بی بی فاطمه حقیر السادات، مخترع و کار آفرین نمونه

«بی بی فاطمه حقیر السادات» متولد ۱۳۵۴ استان یزد دارای ۱۲ اختراع و بیش از ۷۰ پروژه داخلی و بین المللی است. در تمام کنفرانس ها و نشست های علمی که در داخل کشور و چه خارج از کشور چادر به سر دارد این در حالی است که وی از اولین بانوان رشته دکتری نانو بیوتکنولوژی در سطح کشور می باشد.

استحاله یک حسن مردانه در دوغ های مدرنیسم

غیرت توأم با محبت، فضیلت مرد ایرانی است

نیره ساری

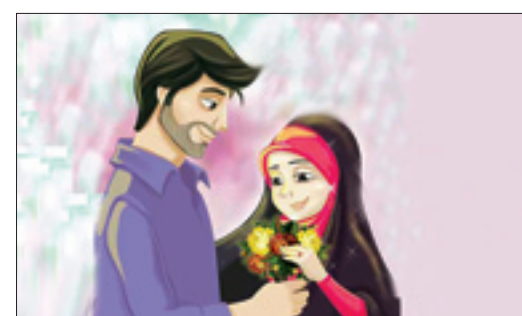
تا به حال به این فکر کردید اگر نسل های قدیم از غیرت صحبت کنند تا حدی دلمان غنچ می رود که مرد های قدیم از روی غیرت همسران خود را دوست داشتند اما وقتی این روزها صحبت از غیرت می شود در مقابل آن گارد می گیریم و افکار فمینیستی ما بالا می زند یا به خودمان دروغ نگوئیم همه زنان دوست دارند مردی که مقابل شان هست روی آنها غیرت داشته باشد. غیرتی که از روی محبت باشد و حتی ته مایه ای از علاقه و خودخواهی داشته باشد: زنان تا مرد با غیرت را دوست دارند، و از ه ای که نباید با «تعصب» یا «بددلی» اشتباه گرفته شود.

در جریان جالش سنت و مدرنیته این روزها واژه «غیرت» مثل خیلی دیگر از دروغ های مدرنیسم، دچار استحاله شده است. منظور فرهنگ اصیل ایرانی و اسلامی ما مرد مستبدی نیست که به زن به عنوان شیء و مایملک خود نگاه می کند، منظور پدری نیست که برای درس خواندن دخترش محدودیت ایجاد می کند، منظور پدری نیست که در برابر خواسته دخترش پرخاش می کند تا دخترش برای بیان خواسته اش دچار لکنت شود، منظور ما برادری نیست که به هر دلیلی خواهرش را آزار می دهد و او را به انجای مختلف تهدید می کند. منظور شوهری نیست که اجازه نمی دهد زنی از خانه بیرون برود یا با کلبه بیرون از خانه زنش مخالف است یا به او اجازه پیشرفت در زمینه های مختلف را نمی دهد.

منظور آن مضمون کلیشه ای کنترل لگدی مرد برای اعمال نفوذ و قدرت خود نیست. منظور ایجاد حس امنیت روانی زن است که نشئت گرفته از توجه منطقی مرد با تکیه بر محبت است. استاد محمد شجاعی از اساتید علم اخلاق در این باره به قاعده



وی دارای مدرک دکترای تخصصی نانومدیسین (نانو پزشکی) از دانشگاه VUMC امستردام هلند (۲۰۱۸) است. او مادر چهار فرزند است و در باره حجاب می گوید: «هرگز محدودیتی احساس نکردم و تبعیضی در این زمینه مرا آزار نداد چرا که وقتی پای علم در میان باشد فرقی میان زن و مرد وجود ندارد. به حجاب و چادرم نیز افتخار می کنم چرا که وجود حجاب نه تنها باعث خجالت و یا تمسخر من نشده بلکه همواره برای من احترام و آرامش به ارمغان آورده است. بادم هست یک بار که برای کنفرانسی به خارج از کشور سفر کرده بودم داشتم برای سخنرانی آماده می شدم که کسی از من



«هوأت» اشاره دارد. یعنی مرد یا زن خود را جای طرف مقابل بگذارد. یک زن باید غیرت مرد را بفهمد و درک کند و در روایات داریم که یکی از وظایف زن فهم غیرت مرد است. در این صورت رعایت برخی رفتارها برای زن دشوار نخواهد بود و می داند با مردی زندگی می کند که غیرت دارد و البته مرد هم باید مراقب حساسیت زن باشد. به اعتقاد وی نمی توان به زن گفت خیلی موارد را رعایت کند اما همان مرد از بسیاری موضوعات تخطی کند.

غیرت مبتنی بر محبت است، ولی گاهی سخت گیری های بی اتفاق می افتد که جز سوهظن و بدگمانی تلقی دیگری از آن نمی توان داشت. منشأ بی غیرتی دقیقاً همان بی محبتی است. غیرت توأم با محبت و انکش مثبتی است که موجب حفظ و صیانت

پرسید شما عرب هستید؟ با تعجب گفتیم نه من یک ایرانی هستم. برایم جای تعجب و سؤال بود که چرا زن محجبه با نام عرب شناخته می شود و ما ایرانی ها نباید به عنوان محجبه شناخته شویم. آیا دین ما اسلام نیست که حجاب مایه افتخار ما نباشد؟»

طناز بحری، مهاجرت معکوس

«طناز بحری» بانوی پزشک ایرانی که بزرگ شده کشور هلند است در صفحه اینستاگرام خود پیرامون حجاب نوشت: «از زمانی که به ارزش حجاب و رعایت آن پی بردم، تا زمانی که حجاب گذاشتم حدود ۱۰ سال طول کشید. چند نفر از دوستان مسلمانم می گفتند که سخت می گیری، حجاب را بگذار، خدا کمک خواهد کرد، اما من می ترسیدم... می ترسیدم از آنکه قداست و ارزش حجاب را با کاستی های خودم زیر سؤال ببرم. من بارها شاهد نگاه تحقیر آمیز و آکنده از تمسخر همکارانم در مقابل رفتارها و کاستی های افراد محجبه بودم و نمی خواستم این برای من تکرار شود. چرا که چه بخواهیم و چه نخواهیم وقتی محجبه هستیم مسئولیت مادر قبال عملکرمان در جامعه چند برابر می شود. آن هم در یک جامعه غیر مسلمان. برای همین در آن سال ها روی اخلاق خودم کار کردم و سعی کردم در دانشگاه هاروارد است. اودانش آموخته کردن با من چه از لحاظ علمی و چه اخلاقی راضی باشند و بعد حجاب گذاشتم.»

مریم کوچکی نژاد، استاد برتر مدیریت در جهان

«مریم کوچکی نژاد» پژوهشگر و استاد پار در دانشگاه نورث وسترن در اوواستون، ایلینوی ایرانی اهل صومعه سدر، گیلان است. او دارای مدرک کارشناسی و کارشناسی ارشد فیزیک از دانشگاه صنعتی شریف، دکتری رفتار سازمانی از دانشگاه پوتا و پسدا کنری از مرکز آدموند جی. صفرا در دانشگاه هاروارد است. اودانش آموخته دانشگاه صنعتی شریف به عنوان یکی از ۴۰ استاد برتر جوان زیر ۴۰ سال رشته مدیریت در دنیا معرفی شد و یافته های علمی او در رسانه های مهم از جمله نیویورک تایمز، وال استریت جورنال و هافینگتون پست منتشر شده است.

محبوب می شود و حفظ آن لازم و ضروری است. گفته می شود غیرت در هفت مورد است. نسبت به دین، ملک (مرز جغرافیایی)، جامعه (افرادی که در یک جازندگی می کنند)، ناموس، اولاد، آبرو و مال.

دستاورد غیرت چیزی جز عزت و بزرگ منشی نیست و آن چیزی که از یک فرد، غیور بودن را می سازد، شجاعت است. غیرت دارای چند علامت است. از جمله اینکه نسبت به آن محب باشید، دوم اینکه فرد شجاعی باشید، و سوم شناخت ارزش است. حضرت امیرالمؤمنین (ع) فرموده اند: «غیرت طبیعت و حقیقت انسان است.» در واقع انسان را بر سرشت غیرت خلق کرده اند. غیرت باید موجب حفظ خانواده شود، مخصوصاً در رابطه با همسر، و نه باعث اسارت خانواده. بعضی از چیزها غیرت نیست، بلکه بدگمانی نسبت به خانواده است. سوره مبارک حجرات آیه ۱۲ می فرماید: «از گمان های تان اجتناب کنید که برخی از آنها گناه است.» حضرت رسول اکرم (ص) فرمودند: «یک نوع از غیرت هست که خداوند و رسول، آن را دوست ندارند و آن، زمانی است که مرد بی جهت و نایه جان نسبت به اهل و عیالش سخت گیری می کند.»

منشأ غیرت های بی جهت، بی اعتمادی است، نه تفکر ارزشی. امیرالمؤمنین (ع) فرمودند: «از غیرت های بی جا بر حذر باش. چرا که چنین غیرتی، انسان سالم را مریض می کند و آدم پاکدامن را به بدگمانی دچار می کند.»

یکی دیگر از ویژگی های غیرت این است که مبتنی بر ارزش هاست. یعنی شخص باید ارزش ها را بشناسد؛ چون غیرت، دفاع از ارزش هاست. باید بفهمیم ارزش همسر و دختر چیست تا در حفظ و حراست آن تلاش کنیم. چه غیرت های بی جایی که نتیجه عکس داده است، پس غیرت مند باشیم و با محبت.